

فصلنامه علمی - پژوهشی علوم اجتماعی دانشگاه آزاد اسلامی واحد شوشتر

دوره ۱۵، شماره ۲ - شماره پیاپی ۵۳، تابستان ۱۴۰۰

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۱/۲۱ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۵/۱۳

صص: ۸۹-۱۰۱

## شانس ارتقاء عمودی در ازدواج برای زنان و مردان (مطالعه تطبیقی)

مریم فخری<sup>۱</sup> باقر ساروخانی<sup>۲\*</sup> محمدصادق مهدوی<sup>۳</sup>

۱- دانشجوی دوره دکترا (جامعه‌شناسی فرهنگی)، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

۲- استاد جامعه‌شناسی دانشگاه تهران

۳- استاد جامعه‌شناسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات تهران

### چکیده

در این مقاله هدف بررسی تحرک اجتماعی از دریچه ازدواج می باشد. به این منظور محقق جهت مطالعه موردی و نمونه گیری و جمع آوری اطلاعات به متاهلین ساکن شهر تهران مراجعه نموده است. با استفاده از آلفای کرونباخ تعداد نمونه ۳۸۰ مورد بوده و پرسشنامه های دریافت شده مورد تجزیه و تحلیل نهایی قرار گرفت. چارچوب نظری مورد استفاده در این مقاله دیدگاه "میدان" بوردیو می باشد. بدین صورت که از جمله میدان های موثر اجتماعی که در آن می توان قشر زن و مرد را به واسطه موقعیت های برتر خود و خانواده وی، بر اساس فرصت های مورد دسترس، در تحرک اجتماعی مورد بررسی قرار داد، میدان زناشویی است. در میدان زناشویی انتخاب همسر به توان دستیابی به امتیازات اکتسابی و حتی امتیازات منتسب به وی از پایگاه اقتصادی و اجتماعی خانواده، که می تواند در نوع خود نردبان اقتصادی و اجتماعی تلقی گردد، در بین زن و مرد متفاوت است. در جامعه افراد در میدان ازدواج برای کسب جایگاه و منزلت، از حیث نوع جنسیت خود بهره برده و جنسیت پدیده خنثی محسوب نمی شود. می توان گفت زن و مرد به عنوان یک عاملیت دوگانه در نابرابری نقش مهمی را در جامعه بر عهده دارد. که در این مقاله به اهمیت این موضوع بر اساس یافته های حاصل از تحقیق اشاره خواهیم نمود.

**واژگان کلیدی:** تحرک اجتماعی، ازدواج، خانواده، ارزش های سنتی، ارتقاء

## مقدمه و بیان مسئله

«خانواده به عنوان واحد اجتماعی، متأثر از نظام اجتماعی است. تا جائیکه تحول و دگرگونی در ساختارهای اجتماعی موجب تغییر در ساختارهای خانواده می شود. ایمانوئل کانت بنیادی ترین عناصر روشنگری را بگاری عقلانیت و به رسمیت شناخته شدن آزادی انسان می داند» (سمیعی، ۱۳۹۴: ۱۵۲). در حقیقت، تفاوت فلسفه عصر روشنگری با گذشته این بود که «انسان بجای خداوند در مرکز قرار می گرفت» (همان: ۱۵۳) بنابراین فردگرایی نگاهی است که ریشه در فلسفه مدرن دارد. رشد فردگرایی در جوامع جدید به شدت ساختار خانواده را تحت تاثیر خود قرار داده است. جوانان اکنون بیش از گذشته به دنبال شیوه ای از زندگی هستند که کمتر قید و بندهای سنتی را با خود داشته باشد. بویژه این مساله که روش زندگی والدین برای جوانان چندان الگوی از پیش تعیین شده نمی باشد. افراد دوست دارند که خود دست به انتخاب بزنند. رشد تحصیلی فرزندان، اشتغال زنان و کسب منزلت اجتماعی از جمله عوامل رشد فردگرایی در میان فرزندان است. رشد فردگرایی، توسعه ارزش های عقلانی و تضعیف پیوندهای خانوادگی توأم با تحولات جامعه مدرن بوده است. به موازات رواج روحیه فردگرایانه انتظارات هنجاری متفاوتی نسبت به جوانان بوجود آمده و شرایط تازه ای را پیش روی جوانان قرار داده است. جوانان اکنون از لحاظ فرصتها، از قدرت و استقلال بیشتری برخوردارند. دسترسی اطلاعات و دانسته های فرزندان بیش از والدین شده است. جایگاه پدر در خانواده به عنوان مرجع مدیریت نبوده و اهمیت خرده فرهنگها و شیوه های جدید برای جوانان، زندگی درون خانواده را به چالش کشیده است.

«در اواخر قرن بیستم و اوایل قرن ۲۱، با ظهور پدیده جهانی شدن، فاز جدیدی در روند حرکت و رشد مدرنیته ایجاد شد که آن را دوران مدرنیته متاخر می نامند. «مدرنیته متاخر نوعی سازمان اجتماعی است که در واقع میوه مدرنیزاسیون و محصول انقلاب های سیاسی و صنعتی غرب از عصر روشنگری تاکنون بوده است.» (سمیعی، ۱۳۹۵: ۱۵۴). به رغم اینکه جامعه کلاسیک مدرن، بیش از هر چیز بر اساس مفهوم طبقه نظام یافته بود، «در دوران مدرنیته متاخر، افراد رها شده اند، تا خود زندگی خود را بسازند. زندگی افراد در این دوران دیگر تابع تصورات و انتظارات سنتی نیست و انسانها همواره برای همه چیز قدرت انتخاب دارند» (همان). یکی از این انتخابهایی که در طول دوران زندگی صورت می پذیرد، انتخاب همسر است. در چنین فضایی با توجه به رشد فردیت و کم رنگ شدن ارزش های اجتماعی، معیارهایی مانند طبقه و وضع اجتماعی مشابه، به طور فزاینده ای شکننده شده و معیارهایی همچون سطح تحصیلات؛ اشتغال و سطح درآمد، پایگاه اجتماعی و اقتصادی فرد، در ایجاد فضایی برای انتخاب همسر نقش دارند. در روند زندگی اجتماعی و شهروندی شدن، امکاناتی را جامعه در اختیار فرد قرار میدهد و همچنین بر اساس جهد و تلاش و شایستگی هایی که خود فرد کسب نموده، برای رسیدن به موقعیت بهتر و بالاتر حرکت می کند. لکن ازدواج و گزینش همسر را از یک امر و واقعیت فردی-اجتماعی به یک واقعیت فردی - شخصی هدایت می کند. از جمله این میدان و عرصه های مهم و خطیر که بر اساس کنشگر و شرایط اجتماعی، است، میدان ازدواج است. این میدان به عنوان یکی از مهمترین و کلیدی ترین اقدام های دوران جوانی قلمداد می شود. فرد سعی دارد که به بهترین نحو ممکن، از مهمترین سرمایه های اکتسابی و انتسابی خود، همسری را برای خود برگزیند که حداکثر سود و نفع را از

این انتخاب برای خود به دست آورد. بنابراین بر اساس انگیزه های ارتقایی که کاملاً جنبه فردی دارد، وارد میدان زناشویی می‌شود. لذا با هویت فردی و اجتماعی خود به دنبال دستیابی به اهداف فردی خود خواهد بود. در دوره مدرنیته میدان خانواده امروزی در مقایسه با دوران قبل و سنتی، دچار تغییر جایگاه شده است. به عبارتی خانواده در همراهی جوانان در رسیدن به ازدواج، در حاشیه قرار داشته و جنبه تشریفاتی به خود دارد. نه خودش اضمحلال شده باشد، بلکه جایگاه خانواده از حالت مستشاری و رهبری خارج گردیده و مرجعیت خانواده در دست سرمایه های اکتسابی خود فرد می‌باشد. بنابراین می‌توان گفت که یک رابطه این همانی میان ازدواج و جابه جایی در گروه افراد وجود دارد. همین تحرک و جابجایی افراد مانند شمشیر دو لبه ایست که از یک سو موجب ارتقا فرد می‌شود و یا بالعکس. از سویی دیگر در عصر کنونی، خانواده و وظایف آن در امر خطیر ازدواج، به کمرنگی گراییده است.

رهاشدگی جوانان در انتخاب همسر، با اتکاء به سرمایه های فرهنگی و اقتصادی، که غالباً بریده از فرهنگ گروه خود فرد است، آینده ای مبهم دارد. طی سالهای گذشته همراه با تغییرات و تحولات اقتصادی و سیاسی، بسیاری از ارزش ها و هنجارهای اجتماعی نیز دستخوش تغییر و دگرگونی شده است. این دگرگونیها تنها شامل جنبه های بیرونی زندگی ما نیست بلکه در درون و لایه های عمیق زندگی ریشه دوانیده است. این تحولات باعث تغییر معیارها و الگوهای ازدواج گردیده است. بطوریکه با رشد فردیت و کمرنگ شدن ارزش های اجتماعی و سنتی، ازدواج با گروه های متناظر و قائم به معیارهای جمعی، متفاوت گردیده است. با مشخصات متذکر، مختصاتی برای ازدواج رقم زده می‌شود که معیارهای سنتی آن دستخوش تغییر می‌شود. بطوریکه افراد با کسب سرمایه های فرهنگی و اقتصادی خود، سوار بر موج فردیت، بی دغدغه از ارزش های اجتماعی و سنتی، عبور می‌نمایند. که این در نوع خود دارای چالش های زیادی است. حاصل چنین ازدواج ها با ناهمسانی های گروهی، شرایطی به بار می‌آورد که می‌تواند الگوهای ناهمسان در همسرگزینی را به بار آورد و نقش خانواده را در محاق قرار دهد. بنابراین؛ با گسترش جوامع و توسعه شهرنسنینی و افزایش تحصیلات به تدریج فرآیند فردیت و روحیه فردگرایی به پشتیبانی سطح تحصیلات بالا و داشتن شغل مناسب، کسب منزلت اجتماعی و درآمد بالاتر از پایگاه اقتصادی و اجتماعی خانواده خود (مبداء)، جسارت و ریسک مردان و زنان در انتخاب ناهمگون برای انتخاب همسر پدید آورده است. این شاخص از همسرگزینی، منجر به حرکت اجتماعی افراد و گروه های مختلف اجتماعی در جامعه می‌گردد. بطور شفاف ما در این مقاله در پی این هستیم که در ازدواج هایی که هم اکنون در جامعه در حال شکل گیری هست چه گروه هایی با چه گروه هایی ازدواج نموده و در این حالت با تکیه به چه ابزارهایی از گروه خود جابه جا می‌شوند؟ و این اقدام چه نوع از تحرک را برای شخص ایجاد می‌کند و در جهت عکس آن جابه جایی رخ می‌دهد و ترتیب متغیرهای بی اثر چگونه است؟

با مروری بر مطالعات صورت گرفته در منابع داخلی و خارجی، می‌توان گفت که ازدواج از زاویه و دریچه های مختلفی مورد توجه و دقت کارشناسان اجتماعی بوده و در این رابطه متغیرهای مختلفی مورد بررسی قرار گرفت. از جمله می‌توان گفت که اشتغال در صنعت مستلزم تحصیلات و مهارت و تخصص بیشتری از دوره ماقبل صنعت بوده و اشتغال جوانان به صنعت موجب گردید تا جوانان بیش از پدران خود جهت ارتقاء شغلی خود در جامعه،

تحصیلات و مهارت کسب نموده و مجهز شدن افراد به این متغیرها، زمینه تمایلات و مطالبه آنها را در امر ازدواج متفاوت از نسل گذشته خود نماید. به گونه ای که در این مقطع از تاریخ می توان با توجه به واقعیت انتخاب همسر، به ساختار اجتماع در خصوص تحرک اجتماعی پرداخت. «مطالعه در مورد تحرک اجتماعی می‌تواند نمایشگر فرصتهای ارتقای اعضای یک اجتماع باشد و به عنوان مثال نفوذ و تاثیر خاستگاه طبقاتی فرد را در این زمینه نشان دهد (منقبتی: ۱۳۸۷)». «ازدواج با عضوی از طبقه بالاتر می‌تواند منجر به تحرک صعودی شود و در مقابل ازدواج در سنین پایین می‌تواند عاملی برای تحرک نزولی باشد» (همان)

یکی از عواملی که از دیر باز ذهن متفکران و اندیشمندان مسائل اجتماعی را بخود مشغول داشته است تحرک اجتماعی و نقش آن در تغییر سلسله مراتب قشر بندی جامعه است. می‌توان گفت: «ساختار طبقاتی ایران یک ساختار باز بوده ولی جابجایی آن در حد یک طبقه بوده است.» (کاظمی پور: ۱۳۷۴) مقایسه منزلت طبقه ای پاسخگویان با پایگاه اجتماعی و اقتصادی پدرانشان، تحرک اجتماعی را نشان داد که در تحویل میان دو نسل، ۳۸٫۷ درصد نسل کنونی همان وضع طبقاتی نسل پیشین خود را حفظ کرده و ۶۱٫۳ درصد آن را تغییر داده اند. ایشان همچنین عوامل عمده مداخله گر در تحرک اجتماعی را شامل: حجم خانواده، نژاد، قومیت، جنسیت، حق تقدم فرزندان، تحصیلات، ازدواج، چشم پوشی از منافع آنی بخاطر منافع آتی، برنامه های دولتی و اصل و نصب خانوادگی را معرفی نمودند. از نگاه این محقق تحرک اجتماعی معمولاً ناشی از دو عامل رخ می دهد. یکی تحرک ناشی از گردش طبقات و دیگری تحرک ساختی است که ناشی از تحولات اقتصادی و اجتماعی جامعه و تغییر ساختارهای سکونتی و اقتصادی و اجتماعی می باشد مانند مهاجرت. (کاظمی پور: ۱۳۷۴)

همچنین در تحقیقات دیگری بیشترین سهم از تحرک اجتماعی را ارتقاء سطح تحصیلات داشته و کم ترین آن به ارتقاء شغلی مربوط بوده است. به علاوه ثروت و دارایی در تعیین پایگاه اجتماعی پدران نقش بسیار مهمی ایفا می نموده در حالیکه در تعیین پایگاه اجتماعی پدران نقش بسیار مهمی ایفا می نموده در حالیکه در تعیین پایگاه اجتماعی فرزندان منزلت شغلی حائز اهمیت است. لازم به ذکر است تحرک بین نسلی شایع تر از تحرک درون نسلی است. در این مطالعات اثر عوامل فرهنگی بویژه اخلاق کار و آموزش و تحصیلات در قالب مدل نظری سرمایه فرهنگی بر تحرک اجتماعی درون نسلی و بین نسلی مورد تأیید قرار گرفت. (معصومی راد: ۱۳۹۰)

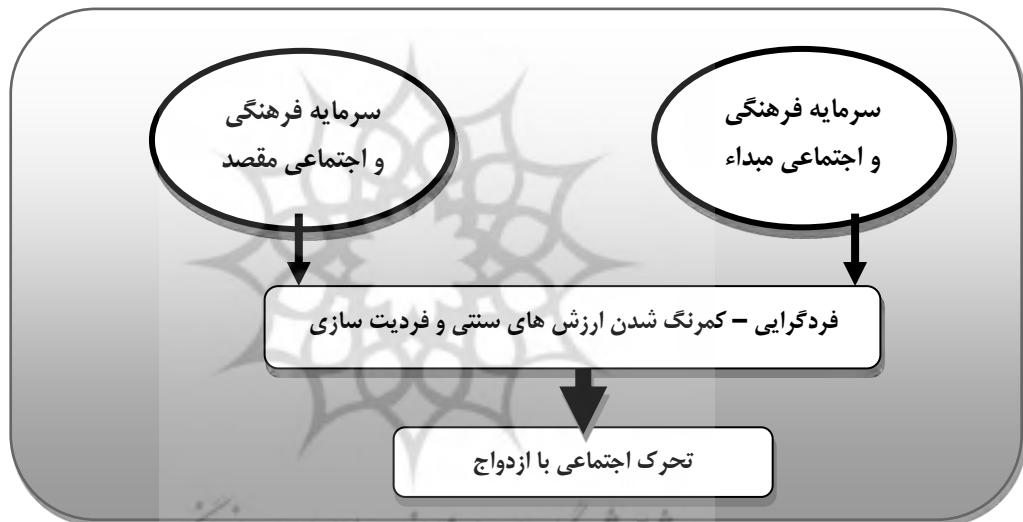
همچنین تحقیقات نشان می دهد که روند افزایش روابط پیش از ازدواج، با تغییر آرام ارزش های اجتماعی ابتدا تغییر در ساختار خانواده و کارکردهای آن را در پی دارد و حتی می تواند به تغییرات اجتماعی گسترده تر منجر گردد. (شوازی: ۱۳۸۵)

در مطالعه دیگری که توسط آنینگ هو در سال ۲۰۱۵ صورت گرفت به بررسی همسانی تحصیلاتی در ازدواج میان افراد و نابرابری درآمدی آنها در چین در مقایسه با سالهای ۱۹۸۸، ۱۹۹۵، ۲۰۰۲، ۲۰۰۷ پرداخت. در این تحقیق به بررسی الگوهای انتخاب همسر پرداخته که در آن در نتیجه افزایش و ارتقاء موفقیت های تحصیلی به سرعت در حال تغییر است. که در آن ضمن در نظر گرفتن پیشینه طبقاتی و یا خانوادگی مشابه، افراد همسری را بر می گزینند که به لحاظ تحصیلاتی دارای سطوح مشابهی باشند. (آنینگ هو: ۲۰۱۵) همچنین در مطالعه ای دیگر توسط استیژن به بررسی

تحرك پذیری و ناهماهنگی و ناهمخوانی فرهنگی و بین طبقات اجتماعی پرداخته است. به گونه ای که افراد وقتی دستخوش تحرك اجتماعی می شوند با یک سری از مجموعه های متفاوتی از انتظارات و خواسته های مربوط به آداب و رسوم فرهنگی مواجه می شوند. که در این فرایند تحرك و مواجهه طبقاتی، افراد می توانند مجموعه ابزارهای فرهنگی خود را توسعه و گسترش و آنها را با آداب و رسوم فرهنگی خود تطبیق دهند. عبارتی افراد از طریق تحرك اجتماعی و ازدواج غیرخویشاوندی والدین و اشکال دیگر به صورت البته ناهمگن اجتماعی می شوند. (اسیژن و رز: ۲۰۱۴) این در حالیست که در سال ۱۹۶۵ ساروخانی با مطالعه کلی در حوزه خانواده و انتخاب همسر تلاش دارد که به نتایجی درباره تحرك اجتماعی دست یابد. که ایشان اظهار می دارد «ارتباط آشکاری بین واقعیت انتخاب همسر و ساختار اجتماع وجود دارد. در سال ۱۳۴۴ ساروخانی نشان می دهد که گروه های اجتماعی در ایران تلاش دارند محصور و بسته باقی بمانند» (ساروخانی: ۱۹۷۳). این در حالیست که محقق در پژوهش حاضر سعی دارد با مقایسه یافته های خود بر اساس متغیرهای مورد نظر، با توجه به واقعیت انتخاب همسر، نقش خانواده و خود فرد در فرایند ازدواج چگونه قابل تعریف است.

پس از بیان، شرح و بسط و بعضاً نقد نظریاتی که در مورد نظریه های اساسی تحقیق به آن اشاره شد، نظریه ای که در شکل گیری چارچوب نظری مستقیماً اشاره داشته باشد، یافت نگردید. لکن بدین منظور به صورت ترکیبی نظریاتی را که در طراحی مدل نظری تحقیق، نقش پررنگ تری را ایفا می نماید، به تشریح ذیل اشاره میگردد. بر طبق نظر کارلسون ازدواج فرآیندی از کنش متقابل بین دو فرد یک مرد و یک زن که برخی شرایط قانونی را تحقق بخشیده اند و به طور کلی عمل آنان مورد پذیرش قانون قرار گرفته و به آن ازدواج اطلاق شده است (ساروخانی، ۱۳۸۱: ۲۳). بر طبق نظر بورديو جامعه متشکل از سلسله مراتب ساخت یافته از میدان های نسبتاً مستقل، که افراد بر اساس منش های خود وارد میدان (ها) شده و در شرایط توأم با تضاد و رقابت مستتر در میدان (ها)، که البته بازتولید شونده و قابل تغییر نیز هستند، درگیر می شوند. بر اساس این تعریف، می توان ازدواج را به عنوان یکی از میدان های ساخت جامعه در نظر گرفت که کنشگرانی را با سلايق و منش های متفاوت در خود جای می دهد. این در حالیست در شرایطی از زمان و مکان بسر میبریم که میدان ازدواج مصون از تغییرات اجتماعی نبوده و الگویابی آن دستخوش تحول قرار گرفته است. یعنی عوامل فردیت و کم رنگ شدن ارزش های اجتماعی و سنتی، تلقی و اقدام فرد را برای ازدواج تغییر داده است. بنابراین بر اساس دیدگاه بورديو میدان ازدواج، مستقل از کنشگران (افراد) نمی باشد و فرد تلاش می کند تا بر اساس بهره مندی از سرمایه های مختلف (استعداد و مهارت و درآمد)، که منابع بهتری را برای ازدواج تصاحب نماید. قابلیت و انعطافی که در تئوری بورديو می توان در میدان ازدواج متذکر شد، این است که افرادی که دارای سرمایه فرهنگی بالا هستند می توانند به سرمایه اقتصادی بالا و بامنزلت نیز دست یابند. (و به گروه و مجموعه دیگر تحرك یابند). این امکان را برای کنشگر می دهد تا با کسب سرمایه نمادین به موقعیت خود مشروعیت داده و منزلت طبقاتی هژمونیک خود را حفظ نماید. عبارتی تحرك اجتماعی از یک سو تابع فرد و عاملیت در سطح خرد و از سوی دیگر تابع شرایط اجتماعی و عاملیت در دست سازوکارهای اجتماعی است. به نوعی می توان گفت تحرك اجتماعی ناشی از فرآیند دیالکتیک میان فرد و توان جامعه است. در این میان ساختهایی که افراد در آن قرار

میگیرند بمثابه نیرویی است که فرد با قرار گیری در آن به خود جرات میدهد که فراتر از تشابهات گروهی خود، دست به انتخاب همسر بزند و مدار ازدواج را با تساهل و تسامح بیشتری دور نماید. در این پژوهش به بررسی تحرک اجتماعی و ازدواج که به صورت یک فرآیند دیالکتیک میان فرد-خانواده - جامعه می باشد، نگریسته می شود، بطوریکه ازدواج و تحرک اجتماعی یک فرآیند محض نیست. با توجه به اینکه ازدواج به عنوان یکی از پدیده های اجتماعی فارغ از زمان و مکانش نیست. «در هر زمان و در هر جامعه ای چهره ای خاص دارد و با جامعه نیز دگرگون می شود. ازدواج در زمره پیچیده ترین روابط انسانی است» (ساروخانی، ۱۳۸۹: ۲۴) این پدیده همواره در تمام طول تاریخ بشر، تابعی از ساختارها و جامعه است. فرد برای همسرگزینی در دایره ای از میدان قرار می گیرد که به آن دایره گزینش می گویند. (لازم به ذکر است متغیر مداخله در این تحقیق تحصیلات و سطح درآمد در کشگر مرد می باشد).



### فرضیه های پژوهش

- به نظر می رسد تعریف فرد با استقلال نسبی از خانواده زمینه تحرک اجتماعی را فراهم آورده است.
- به نظر می رسد در ازدواج های جدیدتر فردیت تبلور بیشتری دارد.
- به نظر می رسد میزان پایداری به ارزشهای سنتی در سالهای اخیر کم رنگ شده است.
- به نظر میرسد در حالت کلی، سطح تحصیل پدر مرد از سطح تحصیل پدر زن کمتر باشد.
- به نظر می آید سطح شغلی پدر مرد از سطح شغل پدر زن کمتر باشد.
- به نظر می رسد بین کم رنگ شدن ارزش های سنتی در ازدواج و نحوه آشنایی با همسر ارتباط معناداری وجود دارد.

## روش تحقیق

داده های حاصل در این مقاله با استفاده از دو روش اسنادی و پیمایش صورت پذیرفته است. جامعه آماری افراد متاهل زیر ۵۵ سال شهر تهران است.

داده ها با استفاده از ابزار پرسشنامه به صورت محقق ساخته، در قالب لیکرت، جمع آوری گردید و در دو بعد آمار توصیفی به صورت نمودار و آمار استنباطی در جداول متقاطع مورد تبیین قرار گرفت. پرسشنامه محقق ساخته شده با استفاده از فرضیات مورد نظر طراحی گردید تا با مرتبط ساختن پاسخ سوالات به فرضیات، ضمن انجام آزمون آنها (تایید یا رد)، به سوالات اصلی و فرعی تحقیق پاسخ داده شود. جامعه آماری افراد متاهل زیر ۵۵ سال شهر تهران می باشد. البته الزامی وجود نداشت که زن و شوهر هر دو ملزم به تکمیل پرسشنامه باشند. لکن در داخل هر پرسشنامه اطلاعات مربوط به خانواده فرد و همسر و خانواده همسر مورد سوال قرار گرفته است. نمونه گیری به صورت تصادفی ساده از متاهلین شهر تهران می باشد. محقق داده های خود را در مکان های مانند: فرهنگسراها، پارکها و سینما و اماکن عمومی جمع آوری نموده است. حجم نمونه بر اساس خطای نمونه گیری در سطح اطمینان ۹۵ درصد بر اساس فرمول کوکران ۳۸۰ نفر در نظر گرفته شده است. با توجه به احتمال مخدوش شدن پرسشنامه در اثر پاسخ ندادن، ارقام مندرج در جداول بر اساس ارقام معتبر است. این یعنی در میان ۳۵۷ نفر پاسخ دهنده، در جمع کل تعداد نفراتی که به این سوال پاسخ داده اند و کسری موجود از تعداد کل در داخل جداول به خاطر بی جواب ها می باشند. به منظور تجزیه و تحلیل داده ها از آماره های توصیفی و آماره های استنباطی استفاده شده است. همچنین کلیه عملیات اجرایی پردازش داده ها با استفاده از بسته نرم افزاری علوم اجتماعی (SPSS) به انجام رسیده است. روایی پرسشنامه از نظر متخصصان و اساتید راهنما و مشاور انجام گردید. معیار مربوط به پایایی پرسشنامه با حدود ۳۵۷ پرسشنامه و تعداد گویه ۲۸ به آلفای کرونباخ 0.834 ثبت گردید.

## یافته های پژوهش

از میان ۳۵۲ نفر پاسخگو، به لحاظ ترکیب جنسی؛ 53.1 درصد را مردان و 46.9 درصد زن می باشند. به لحاظ ترکیب سنی، کمینه حجم نمونه ۲۰ سال و بیشینه آن ۶۵ سال می باشد که میانگین سنی آن 36.17 سال می باشد. از لحاظ وضعیت اشتغال 74.9 درصد شاغل و 25.1 درصد غیر شاغل بوده اند. از این میان در هنگام ازدواج 26.3 درصد همسرشان را خود انتخاب نموده و 23.4 درصد از طریق دوستان و آشنایان و 32.9 درصد از طریق خانواده ها و 15.9 درصد از طریق تعلقات قومی و 1.4 درصد از طریق شبکه های مجازی؛ با همسران خود آشنا شده اند. با توجه به این سطح از طبقه بندی در این تحقیق برای آشنایی در انتخاب همسر، سهم خانواده در میان مردان ۳۸ درصد و سهم زنان 28.28 درصد می باشد. همچنین میزان آشنایی افراد حین ازدواج با همسر 42.3 درصد نسبت به یکدیگر فاقد شناخت لازم بوده اند و ۳۰ درصد تا حدودی و فقط 27.2 درصد نسبت به یکدیگر شناخت قبلی داشته اند.

جدول (۱) نتایج مربوط به آزمون همبستگی برای بررسی ارتباط پارامترهای ازدواج باهم در مردان و زنان

متغیرها	جنسیت	تعداد	ضریب همبستگی کندال	مقدار معناداری	نتیجه
کم رنگ شدن ارزش های سنتی فردیت	مرد	182	0.265	$10^{-5}$	ارتباط معنادار وجود دارد
	زن	166	0.432	$10^{-14}$	ارتباط معنادار وجود دارد
کم رنگ شدن ارزش های سنتی منزلت اجتماعی	مرد	182	0.273	$10^{-5}$	ارتباط معنادار وجود دارد
	زن	166	0.343	$10^{-8}$	ارتباط معنادار وجود دارد
فردیت منزلت اجتماعی	مرد	182	0.358	$10^{-10}$	ارتباط معنادار وجود دارد
	زن	166	0.381	$10^{-11}$	ارتباط معنادار وجود دارد

در جدول (۱)، محقق بر آن شد تا به آزمون همبستگی میان متغیرهای فردیت و کم رنگ شدن ارزشهای سنتی و منزلت اجتماعی به تفکیک در دو جنس زن و مرد، پردازد. به این منظور از آزمون ضریب همبستگی کندال جهت معنی دار بودن آن مقدار معناداری هر کدام را به دست آورد. در این جدول با انجام آزمون همبستگی کندال میان متغیر کم رنگ شدن ارزش های سنتی و فردیت به تفکیک جنس مردان و زنان رابطه معناداری وجود دارد. به عبارتی هر چه قدر فردیت در میان مردان افزایش می یابد، کم رنگی ارزش های سنتی به طور مستقیم بیشتر می شود و بالعکس. همین روند در میان زنان هم قابل مشاهده است. بطوریکه هرچه فردیت در میان زنان افزایش می یابد، کم رنگی به ارزش های سنتی بیشتر می شود و بالعکس. و یا در ردیف سوم بین متغیر فردیت و منزلت اجتماعی (کسب اعتبار اجتماعی بر اساس شاخص های تحصیلات فردی و شهرت فردی) رابطه معناداری به تفکیک در میان زنان و مردان وجود دارد. بدین صورت که هر چه قدر فردیت در میان مردان افزایش می یابد، کسب اعتبار و منزلت اجتماعی از شاخص های فردی برای فرد در ازدواج افزایش می یابد. و این روند در میان زنان نیز قابل مشاهده است. بر اساس این جدول می توان چنین نتیجه گرفت که روحیه فردیت در میدان ازدواج سبب شده است که افراد برای همسرگزینی خود به واسطه متغیرهای نامبرده از طیف و پایگاه خانوادگی خود خارج می شوند.

همچنین با توجه به نتایج جدول (۲)، میزان کم رنگ شدن ارزش های سنتی در ازدواج با نحوه آشنایی با همسر برای ازدواج ارتباطی معنادار دارد. به این مفهوم که مثلاً میزان کم رنگی ارزش های سنتی در افرادی که از طریق خانواده برای ازدواج آشنا شدند و افرادی که از طریق شبکه های اجتماعی آشنا شدند، با هم متفاوت است. بطوریکه بیشترین کم رنگی ارزشها در افرادی می باشد که از طریق شبکه های اجتماعی با یکدیگر برای ازدواج آشنا شده اند، یعنی میانگین ۴ و کمترین هم ۳٫۰۱ برای افرادی است که از طریق خانواده هایشان برای ازدواج آشنا شده اند. این در حالیست که بعد از آن خود فرد و سپس دوستان و همکاران و سپس اقوام از میانگین کمتری در کم رنگی ارزش های سنتی نسبت به شبکه های اجتماعی برای ازدواج برخوردارند.



جدول (۲) تحلیل رابطه متغیر کم‌رنگ شدن ارزش‌های سنتی و نحوه آشنایی افراد برای ازدواج

آزمون کروسکال والیس		انحراف استاندارد	میانگین	بیشینه	کمینه	نحوه آشنایی با همسر	متغیر
مقدار معناداری	آماره آزمون						
$< 10^{-4}$	18.12	0.638	3.50	5	2	خود	کم‌رنگ شدن ارزش‌های سنتی
		0.680	3.36	4.8	1.6	دوستان و همکاران	
		0.644	3.01	5.0	1.8	خانواده	
		0.685	3.09	5.0	1.8	اقوام	
		0.672	3.62	4.0	2.2	شبکه اجتماعی	

همچنین در این پژوهش محقق آزمون میان دو متغیر "پایبندی به ارزش‌های سنتی در سال‌های اخیر" را مورد توجه قرار داده است. متغیری که نشان دهنده مدتی است که از ازدواج فرد گذشته است و دیگر متغیر مربوط به گویه‌های کم‌رنگ شدن ارزش‌های سنتی. اگر فرض مورد بحث درست باشد، بین این دو متغیر همبستگی منفی وجود دارد. به عبارت دیگر هر چه مدت زمان گذشته از ازدواج فرد کم باشد (فرد اخیراً ازدواج کرده باشد)، میزان کم‌رنگ شدن ارزش‌های سنتی بیش‌تر می‌شود. برای بررسی این فرضیه از تحلیل همبستگی می‌توان استفاده کرد.

جدول (۳) نتایج مربوط به تحلیل همبستگی مدت سپری شده از ازدواج و کم‌رنگ شدن ارزش‌های سنتی

آزمون کلوموگروف - اسمیرنوف		آزمون همبستگی پیرسون		آزمون همبستگی کندال			
مدت زندگی مشترک		کم‌رنگ شدن ارزش‌های سنتی		تاو کندال			
p-value	آماره آزمون	p-value	آماره آزمون	p-value	ضریب همبستگی پیرسون		
$< 10^{-10}$	0.111	$< 10^{-5}$	0.085	0.09	-0.091	0.024	-0.086

در جدول (۳) نتایج مربوط به تحلیل همبستگی ارائه شده است. برای بررسی نرمال بودن توزیع متغیرها از آزمون کلوموگروف - اسمیرنوف استفاده شده است که معناداری این آزمون برای هر دو متغیر نزدیک به صفر است. بنابراین فرض نرمال بودن توزیع داده‌ها رد می‌شود. براین اساس آزمون پارامتری همبستگی پیرسون معتبر نخواهد بود و باید از آزمون ناپارامتری همبستگی کندال استفاده شود (هر چند ضریب همبستگی پیرسون نیز در جدول فوق گزارش شده است). آماره تاو کندال برابر 0.086- و معناداری برابر 0.024 است. چون میزان معناداری از 0.05 کمتر است بنابراین در سطح ۵ درصد آزمون معنادار بوده بدین معنی که فرض صفر بودن ضریب همبستگی رد می‌شود. چون علامت آماره تاو کندال منفی است، پس این دو متغیر ارتباطی معنادار و در جهت عکس یکدیگر دارند. به عبارت دیگر کسانی که در سال‌های اخیر ازدواج کرده‌اند، کم‌رنگ شدن ارزش‌های سنتی در ازدواجشان نمود بیشتری داشته است.

بنابراین در حالت کلی می توان نمایش برد متوسط تحرک در میان مردان در رابطه با ازدواج و امر همسرگزینی را مورد بررسی قرار داد. از جمله متغیرهای اصلی در این بررسی می توان به سطح تحصیلی زوج، سطح درآمد زوج، سطح درآمد پدر زوج، سطح شغلی پدر زوج در میان پاسخ دهندگان زن و مرد اشاره نمود. با توجه به تقاطع متغیرهای فوق و ارقام به دست آمده می توان به جدول زیر اشاره نمود.

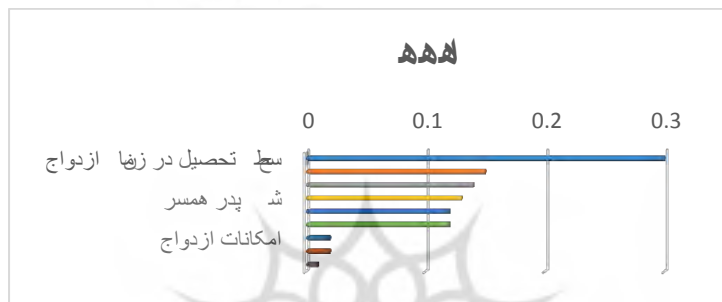
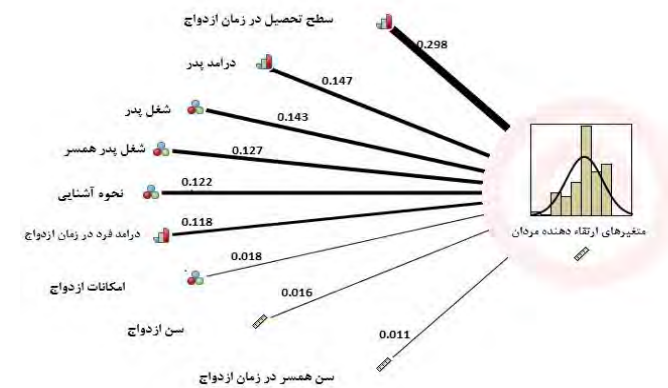
جدول (۴) نمایش برد متوسط تحرک در میان مردان

متغیر	متوسط تحرک	درصد تحرک منفی	درصد بدون تحرک	درصد تحرک مثبت
سطح تحصیلی زوج	-0.8	29.8%	46.5%	23.7%
سطح درآمد زوج	+0.41	7.82%	72.07%	20.11%
سطح تحصیل پدر زوج	-0.37	32.19%	54.37%	13.44%
سطح درآمد پدر زوج	-0.36	33.21%	47.14%	19.65%
سطح شغلی پدر زوج	-0.247	40.83%	33.77%	25.40%

در جدول (۴)، محقق به صورت کلی و خلاصه متغیرهای سطح تحصیلی زوج، سطح شغلی پدر زوج، سطح درآمد پدر زوج، سطح تحصیل پدر زوج، را به ترتیب با برد متوسط تحرک  $-0.8$ ،  $-0.37$ ،  $-0.36$ ،  $-0.247$ ، در مقایسه با زنان با ضریب منفی نمایش داده است. به عبارتی مردان در متغیرهای فوق در قیاس با خانواده همسر از برد کمتری برخوردار بودند. بنابراین با در نظر گرفتن این سطح از اختلاف، مردان از روزنه ازدواج دارای تحرک عمودی از نوع ارتقایی بوده است. در رابطه با سطح درآمد زوج با برد متوسط  $+0.41$ ، اختلاف سطح درآمد زوج بالاتر از درآمد زوجه نشان داده است. که در این زمینه مردان در سطح مناسبتری از زوجه خود بوده است. در حالت کلی از میان مهمترین متغیرهای موجود در پرسشنامه برای همسرگزینی در میان مردان و زنان می توان به نمودار زیر اشاره نمود.

### نتایج برای گروه مردان

در بین ۱۷ متغیر وارد مدل شده، در نهایت ۹ متغیر که بیشترین اثرگذاری را داشته اند توسط مدل انتخاب شده است. این متغیرها شامل متغیرهایی است که در شکل زیر آمده است.

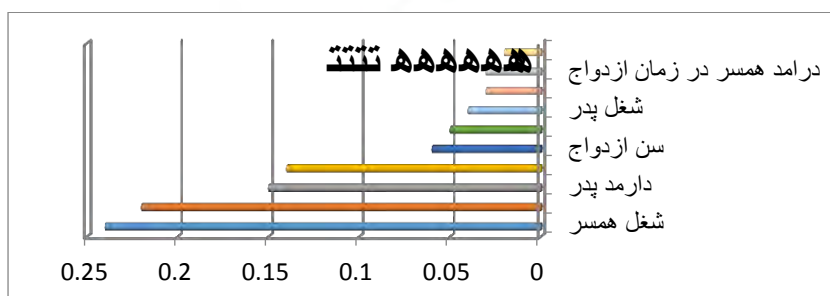
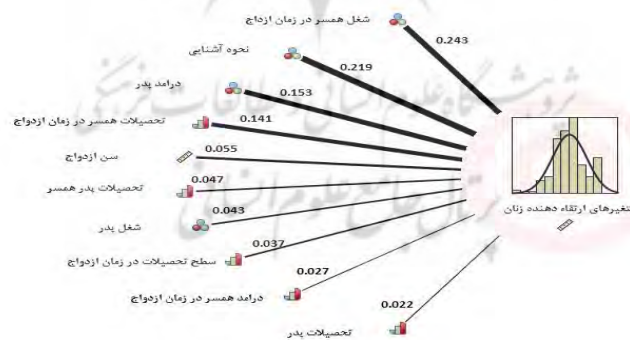


نمودار (۱) نمایش درجه اهمیت متغیرهای موجود در مدل نهایی ارتقاء مردان

## نتایج برای گروه زنان

در بین ۱۷ متغیر وارد مدل شده، در نهایت ۹ متغیر که بیشترین اثرگذاری را داشته اند توسط مدل انتخاب شده است.

این متغیرها شامل متغیرهایی است که در شکل زیر آمده است



نمودار (۲) نمایش درجه اهمیت متغیرهای موجود در مدل نهایی ارتقاء زنان

## نتیجه گیری

می توان گفت: « طی سالهای گذشته، به موازات تغییرات اقتصادی و سیاسی که در جامعه ما روی داده است، بسیاری از ارزشها و هنجارهای اجتماعی نیز دستخوش تغییر و دگرگونی شده است. این هنجارها که به آرامی جای خود را در میان باورها و اعتقادات مردم باز می کنند، ممکن است با باورهای گذشته همخوانی چندانی نداشته باشند و حتی در تعارض با آنها قرار گیرند، تغییرات بوجود آمده، در زمینه شیوه های همسریابی و ازدواج جوانان، از جمله مواردی است که بسیاری از خانواده ها را با مسائل متعددی روبرو کرده است». (ساروخانی، ۱۳۸۸: ۱۵) در این میان میتوان گفت ازدواج و معیارهای همسرگزینی در موقعیت گذر از سنتی ناشناخته و تخریب شده، به مدرنیته ای بد فهمیده شده، در حال انتقال است. این نتیجه خود می تواند بیش از هر عامل دیگری تحت تاثیر اسباب زندگی مدرنیته قرار گرفته و جریان فردیت بسیاری از زوایای فکری و اندیشه انسان ها و از طرفی مختصات عوامل مادی زندگی بشر را دستخوش جابجایی، تغییر و تحول نماید. از سویی دیگر جهان نو، انسان هزاره سوم بر اساس اهمیتی که به فلسفه و جایگاه وجودی انسان میدهد، او را بیش از پیش متوجه خود و اهمیت فرد در کره خاکی نموده است. متناسب با این نوع از توجه نیازهای متعددی در انسان سربر آورده، بگونه ای که گاهای نیاز را معادل با فرهنگ خود می داند. به عبارتی فرهنگ و نیاز دو روی سکه بشر امروزی تلقی می شود. از جمله یکی از این نیازهای مهم، نیاز به خودشکوفایی است که در طبقه نیازهای عالی انسان قرار دارد. جوانان جامعه بر اساس درک واقعی که از جامعه خود دارند، انسان گذشته را محتمم به حصار فرهنگ غالبی می دانستند، لذا برای رهایی از این حصار و برای گسستن آن جهت اغنای نیاز شکوفا شدن و تلاش جهت دستیابی به فرصتهای اجتماعی و برخورداری از آنها، محقاند تا انتخاب های خود را با آزادی عمل بیشتر و بدون توجه به شناسنامه فرهنگی و اجتماعی خود، اختیار بسیط تری نسبت به گذشتگان داشته باشند. و در این رویکرد در برد متوسط و شعاع ارتباطی خود را در گروه های دیگر وسعت ببخشند. به عبارتی انسانها خود را از فرمان فرهنگ رها می سازند ( کارکرد فرهنگ را در ایجاد محدودیت و ممنوعیت زیر سوال ببرند)، و الگوهایی را انتخاب می کنند که در آن می توان توان گشایش لایه های مختلف اجتماعی را در تحرک اجتماعی مورد سنجش قرار داد. به این منظور افراد در الگوهای همسرگزینی جوانان اشتراکات کمتری داشته و سراغ گروه های ناهمسان تحصیلی و مهارتی و شغلی می روند. تا بتوانند جهت شکوفا شدن و بهره مندی از فرصتهای مختلف، ارتقاء یابند. به این منظور مردان در این هویت سازی جدید گوی سبقت<sup>۱</sup> را از زنان ربوده و جهت ارتقای خود، در انتخاب همسر به منافع فردی دقت می نمایند. ولو اینکه این انتخاب به بهای خارج شدن فرد از گروه خود صورت بگیرد. این در حالیست که جامعه ایران با توجه به ته نشست فرهنگ مردسالاری در تاریخ اجتماعی و سیاسی خود، همواره مردان هستند که از ساختارهای اجتماعی سود می برند. حال در میدان ازدواج که مختصات گزینش

<sup>۱</sup> - چنانچه در تحقیقی در سال ۱۳۴۴ که توسط باقر ساروخانی در تهران صورت گرفت، جوانان در انتخاب همسر خود، تمایلی نداشتند که از گروه های غیر از گروه خود، همسر خود را اختیار کنند. به عبارتی همسرگزینی کاملاً یک امر اجتماعی بوده و همسان و درون گروهی انجام میگرفت.

همسر از پایگاه اقتصادی اجتماعی فرد، متفاوت گشته است، جهت تفکیک و تمایز خود، در انتخاب همسر، با استفاده از امکانات و دارایی (ثروت) و دارایی فرهنگی خود، با هویت فردی خود ورود می کند و حتی طرف مقابلش را بیشتر با هویت فردی وی ارزیابی می کند. و در صورت نیاز، فاکتورهایی را در نظر خواهد گرفت که به ارتقاء خود فرد منجر گردد.

## منابع

- معصومی راد، رضا، نایی، هوشنگ، (۱۳۹۲)، عوامل اجتماعی موثر بر تحرک اجتماعی (شغلی) اعضای هیئت علمی دانشگاه آزاد اسلامی، فصلنامه راهبرد اجتماعی و فرهنگی، سال دوم، شماره هفتم، تابستان.
- کاظمی پور، شهلا، (۱۳۷۴)، مهاجرت و تحرک اجتماعی، پایان نامه دکتری، دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران، به راهنمایی دکتر محمد میرزایی.
- شارع پور، محمود و خوش فر، غلامرضا (۱۳۸۱)، رابطه سرمایه فرهنگی با هویت اجتماعی جوانان، نامه علوم اجتماعی، شماره ۲۰، پاییز و زمستان.
- ساروخانی، باقر (۱۳۸۱)، ساروخانی، باقر. "مقدمه ای بر جامعه شناسی خانواده." سروش، چاپ اول.
- ساروخانی، باقر (۱۳۸۹)، مقدمه ای بر جامعه شناسی خانواده، تهران، سروش، چاپ دوازدهم.
- موحد، مجید و محمدتقی عباس شوازی (۱۳۸۵). بررسی رابطه جامعه پذیری و نگرش دختران به ارزشهای سنتی و مدرن در زمینه روابط بین شخصی دو جنس پیش از ازدواج. مطالعات زنان. ۴.
- Anning Hu, Zhenchao Qian (۲۰۱۵): Educational homogamy and earnings inequality of married Couples: Urban China, ۱۹۸۸-۲۰۰۷. fudan University China.
- Stijn Daenekindt, Henk Roose (۲۰۱۴) "Social inequality and fertility: A review of the literature" Geert University, Research Team cuDOS.
- Saroukhani, B (۱۹۷۳) Family social inequality, in International Journal of Sociology of Family, Vol ۲,۳ pp: ۱۶۶-۱۶۶.